



اتخاذیک تصمیم حرفه‌ای

● مریم پورسلطانی / کارشناس ارشد مدیریت دولتی

● اشاره

مربیان با آگاهی از چالش‌های بسیاری که در فضای آموزشی پیش رو دارند، می‌توانند با هوشمندی، مدیریت این فضا را بر پایه مشارکت به میزان زیادی پایه‌ریزی کنند. طرح انضباط در فضای آموزشی به مربیان ارائه می‌شود تا مهارت‌های مدیریتی را همراه با دیدگاه‌های کودکان توسعه دهند و مدیریت و انضباط را به آموزش و یادگیری در آن پیوند زنند.

کلیدواژه‌ها: مهارت‌های مدیریتی، مدیریت، انضباط، آموزش

● طرح انضباطی

انضباط بر رفتاری دلالت دارد که از طریق آن کودک پذیرفته شدن از جانب دیگران و در نتیجه، در حد وسیع‌تری پذیرش خود را تجربه می‌کند. وقتی به انضباط از این منظر نگریسته شود، دیگر محدودیت به حساب نمی‌آید. ما به‌عنوان مربی، دیگر نباید انضباط را شیوه‌ای از قدرت در نظر بگیریم بلکه باید آن را شکلی از رهبری بدانیم که در چارچوب محدودیت‌هایی معین، به کودک آزادی می‌دهد.

معمولاً مربیان بنا بر آنچه تصمیم گرفته‌اند، با کودک برخورد می‌کنند؛ بدون اینکه توجه کنند آیا این برخورد برای کودکان معنادار است یا نه. برخی از مربیان می‌گویند کودک می‌داند برای چه چیزی تنبیه می‌شود و معمولاً پیامد رفتارشان را بدون توجه به اعتراضات کودک عادلانه می‌دانند. وقتی کودک تصمیم مربی خود را درک نکند و با تصمیم او موافق نباشد، نتیجه آن اعتراض، بدعتی و خشم پنهان اوست. برخی از مربیان معتقدند که تنبیه برای کودک خوب است؛ چون یاد می‌گیرد که بین درست و نادرست تمایز قائل شود و می‌آموزد که رفتار اشتباه فایده‌ای ندارد. آن‌ها این حقیقت را که کودک کم‌کم نسبت به مرجع قدرت تنفر پیدا می‌کند، نادیده می‌گیرند.

آموزش اولیه در خانه نگرش کودک را نسبت به انضباط و پذیرش مسئولیت شکل می‌دهد. هر چه رابطه اعضای خانواده با هم بهتر و همکاری میان والدین بیشتر باشد، کودک با احتمال بیشتری محدودیت‌هایی را که برایش تعیین شده است، می‌پذیرد و به تأیید والدین بیشتر اهمیت می‌دهد.

او همان‌طور که بزرگ و بزرگ‌تر می‌شود، با موقعیت‌هایی روبه‌رو می‌گردد که لازمه آن‌ها انضباط است و باید رهبرهایی باشند که او را راهنمایی کنند. از زمانی که کودک به محیطی آموزشی وارد و با مربی مواجه می‌شود، ارتباط اجتماعی او وسیع‌تر می‌شود. در اینجا او در معرض اشکال جدیدی از انضباط مانند گوش دادن و انجام دادن به‌موقع فعالیت‌ها قرار می‌گیرد. هر چه او در خانه همکاری بیشتری داشته باشد، با مربی نیز بیشتر همکاری خواهد داشت؛ به شرط اینکه محیط آموزشی در شکلی وسیع‌تر در ادامه فضای خانه باشد اما اگر در آنجا با ارزش‌های متفاوت و معیارهای انضباطی مغایر با آن‌هایی که در خانه تجربه کرده است مواجه شود، مشکلاتی در سازگاری پیدا خواهد کرد. این موضوع چه پیشینه خانواده دموکراتیک باشد چه استبدادی، مصداق دارد. به منظور کمک به این کودک برای سازگار شدن با محیط تازه و انتظارات جدید، مربی باید با تجارب قبلی او در ارتباط با مسئولیت و همکاری آشنایی پیدا کند. بنابراین، برای کمک به کودک جهت ایجاد تغییرات مناسب و به وجود آوردن الگوهای رفتاری مورد انتظار، که موجب یادگیری می‌شوند، مربی در موقعیت‌های بهتری قرار دارد. چنانچه مربی اطلاعاتی را درباره معیارهای انضباطی در خانه بین کودک و والدین شناسایی کند، می‌تواند شیوه‌های انضباطی خود را برای او معنادار سازد. بررسی الگوهای رفتاری در خانه باید مقدم بر همه تلاش‌ها برای طرح انضباطی به منظور تغییر رفتار کودک باشد. این اولین گام مهم در فرایند طرح انضباطی است.

● نظر شما درباره برقراری انضباط در فضای آموزشی چیست؟

ممکن است بسیاری از مربیان در زمینه مهارت‌های مدیریتی - انضباطی آموزش چندانی ندیده باشند. در حالی که در عمل، مربی خوب و موفق کسی است که با مهارت‌ها و شیوه‌های خود انضباطی به‌طور مؤثر و کارآمد آشنا باشد. چرا شما نتوانید چنین فردی باشید؟

انضباط در فضای آموزشی به معنای آموزش مجموعه‌ای از کنترل‌های درونی به کودک است که الگوی رفتاری مورد قبول جامعه را در اختیار او





**انضباط رفتاری
دلالت دارد که از
طریق آن کودک
پذیرفته شدن از
جانب دیگران و
در نتیجه، در حد
وسیع‌تری پذیرش
خود را تجربه
می‌کند**

یک مربی مجرب به منظور تهیه طرح انضباطی باید در شروع هر آموزش به کمک کودکان، مقرراتی را آماده کند که کودکان همیشه آن‌ها را رعایت کنند. پس از آن، پاداش‌هایی را مشخص سازد که کودکان در صورت رعایت کردن مقررات آن‌ها را دریافت کنند و سرانجام، به تعریف محدودیت‌هایی بپردازد که اعمال خواهد کرد؛ البته در برخورد با کودکی که قوانین خود ساخته را که خودش در طراحی آن‌ها نقش داشته، رعایت نکرده باشد

تدوین طرح انضباطی کلاس با تعامل بین مربی و کودکان انجام می‌گیرد. در این تعاملات، سلسله‌مراتب انضباطی برای همه روشن است و مربی در مقابل قانون شکنی کودکان، اقدامات اصلاحی مشخصی را پیگیری خواهد کرد.

معمولاً مربیان برای برخورد با موقعیت‌های انضباطی، طرحی از پیش تعیین شده ندارند. بنابراین، از واکنش‌های پیش‌بینی نشده خود نتیجه معکوس می‌گیرند یا رویکرد واکنشی آن‌ها قاطع به نظر نمی‌آید؛ مانند: «مهتاب، می‌شود ساکت باشی و فعالیتت را انجام دهی!» گاهی هم خصمانه است: «مهتاب، دهانت را ببند! من امروز به اندازه کافی از دست تو کشیده‌ام. از دست تو و کارهایت خسته شده‌ام!»

تدوین طرح انضباطی به مربیان اجازه خواهد داد که با اعمال و اقداماتی مشخص، نقشی فعال و پیشگیرانه داشته باشند؛ مانند: «مهتاب، تو مقررات را می‌دانی و اگر دوباره شلوغ کنی، خودت رفتن به میز تنهایی را انتخاب کرده‌ای.»

مربی خطاب به کودکان: «بچه‌ها، میز تنهایی را به مهتاب نشان بدهید.» کودکان به میز و صندلی‌ای که در انتهای کلاس چیده شده است، اشاره می‌کنند.

قرار می‌دهد و در آسایش و پیشرفت وی نقش دارد. مشارکت کودکان در امور آموزشی، به‌ویژه رعایت مقررات با توجه به سن و تعداد آن‌ها، حائز اهمیت است. برای ایجاد و تقویت روحیه مشارکت در کودکان، محیط آموزشی باید ماهیتی مثبت، پذیرا و غیر تهدیدآمیز داشته باشد.

به‌وجود آمدن چنین فضایی در کلاس به یکی شدن طرح‌ریزی مربی - کودک نیاز دارد. اگر با کودکان درباره فعالیتی که می‌خواهیم انجام دهیم مشورت کنیم، نسبت به فعالیت مورد نظر نگرشی کاملاً متفاوت پیدا خواهند کرد. آن‌ها در چنین شرایطی احساس می‌کنند که شخصاً درگیر شده‌اند و خود را در برابر موفقیت یا شکست مسئول و متعهد می‌دانند. مربی باید با جلب و پذیرش این مشارکت، مسئولیت اجرای طرح را با کودکان تقسیم کند.

آیا شما قادر به تقسیم وظایف خود با کودکان هستید؟

در حین تقسیم وظایف و مسئولیت‌ها کودکان را حمایت کنید و مورد تأیید قرار دهید. در چنین جوی، کودکان باید محدودیت‌هایی را که طبق خط‌مشی‌های توافقی خودشان (کودکان - مربی) بر آن‌ها و مربی اعمال می‌شود، درک کنند. کودکان خردسال همان‌طور که در جامعه‌ای رشد می‌کنند به خاطر قوانین مورد نیاز زندگی گروهی ناچارند از بسیاری تمایلات و خواست‌های شخصی خود چشم‌پوشی کنند. هر محیط آموزشی قوانینی دارد که باید از آن‌ها اطاعت کرد. اگر با کودکان درباره وظایف، مسئولیت‌ها و قوانین صحبت شود و آن‌ها شیوه‌های انضباطی را درک کنند و با این شیوه‌ها ارتباط بگیرند، به آن‌ها احترام بیشتری خواهند گذاشت.



مراحل تدوین طرح انضباطی:

۱ بحث و گفت‌وگو در مورد رفتارهای قابل قبول و غیر قابل قبول

بکوشید از نظراتی استفاده کنید که در مورد بیشتر کودکان، اکثر مواقع و در بیشتر شرایط و موقعیت‌ها صدق کند. واقعیت این است که در مورد مشکلات فضای آموزشی، راه حلی جهان‌شمول وجود ندارد و تعداد قانون‌های ما در این باره بسیار اندک است.

۲ رفتارهای قابل قبول و غیر قابل قبول

مربیان باید در این مرحله ترتیب رفتارهای قابل قبول و غیر قابل قبول را با توجه به اولویت‌های آن‌ها، روی مقوایی بنویسند و آن را روی تابلویی نصب کنند که قابل دیدن باشد. البته مربیان باید این قوانین همه‌پرسی شده را برای کودکان پیش‌دبستانی که سواد خواندن ندارند تصویرسازی کنند تا جذابیت لازم را برای کودکان داشته باشند و توجه آنان را جلب کنند. و هر روز بعد از سلام و احوال‌پرسی با کودکان قوانین طراحی شده را مرور کنند.

۳ تعیین محدودیت‌ها

تعیین محدودیت برای کودکان شکلی از آموزش انضباط است. آموزش کارهای روزمره زندگی به کودکان جزء اصول مقدماتی محسوب می‌شود. هر گاه مربی کودکان را ترغیب می‌کند که دست‌هایشان را قبل از خوردن خوراکی بشویند، تکالیفشان را در زمان تعیین شده انجام دهند و برای استفاده از وسایل کودک دیگر اجازه بگیرند یا وقتی به آن‌ها کمک می‌کند بفهمند که نظافت کلاس مسئولیت مشترک اعضای گروه است و غیره، در واقع، به آن‌ها انضباط را آموزش می‌دهد. انضباط در این شکل به معنای آموزش دادن این نکته به کودک است که در زندگی قوانین مشخصی وجود دارد که انسان با آن‌ها زندگی می‌کند و

اینکه از کودک انتظار می‌رود با این قوانین انس بگیرد و آن‌ها را از آن خود بداند. هدفی که همواره باید مدنظر قرار گیرد، این است که آموزش روزانه کودکان حرکتی به سوی خودانضباطی و خودرهبی است.

۴ نظام ترغیب

در حالی که اعمال محدودیت‌ها این امکان را به مربی می‌دهد که با استفاده از فنون مختلف، بدرفتاری کودکان را متوقف کند، نظام ترغیب فرایندی است که به کودک انگیزه می‌دهد که بر رفتارهای قابل قبولش بیفزاید یا رفتارهای جدیدی را فراگیرد؛ مانند انجام دادن فعالیت‌های آموزشی یا مراقبت کردن از وسایل شخصی

۵ نظام مشوق‌ها (مشوق‌ها)

نظام مشوق‌ها مربیان را آگاه می‌سازد که چه چیزهایی به کودکان انگیزه می‌دهد که درست رفتار کنند و براساس همین دانش باید عمل کنند. تقویت‌کننده‌های طبیعی و غیرشرطی تقویت‌کننده‌های اولیه هستند که خوشایند حواس پنجگانه‌اند (دیدن شخصیت مورد علاقه، صدای مادر، مزه یا بوی غذا، و...) این تقویت‌کننده‌ها برای نیازهای اساسی و پایه کودک و تجربه‌های زندگی ضروری هستند. آن‌ها لذت را برای کودکان تأمین می‌کنند و تقویت‌کننده‌های مؤثر و قدرتمندی هستند. تقویت‌کننده‌های خوراکی مانند آب‌میوه و بستنی و تقویت‌کننده‌های حسی مانند دسترسی به تجارب تصویری (ترکیب رنگ‌ها)، لمسی، بساوبایی، بویایی، تجارب حرکتی و ... نیز از تقویت‌کننده‌های اولیه محسوب می‌شوند.

● تقویت‌کننده‌های ثانویه شامل موارد زیرند:

تقویت‌کننده‌های ملموس، مانند عکس برگردان، ستاره، کارت صدآفرین و مهر تشویق؛ تقویت‌کننده‌های امتیازی، مانند فرصت

یک مربی مجرب به منظور تهیه طرح انضباطی باید در شروع هر آموزش به کمک کودکان، مقرراتی را آماده کند که کودکان همیشه آن‌ها را رعایت کنند

استفاده از اسباب‌بازی خاص به‌عنوان نفر اول؛ تقویت‌کننده‌های فعالیتی، مانند کمک کردن در توزیع توپ‌ها؛ و تقویت‌کننده‌های اجتماعی، مانند رهبری فعالیتی در گروه.

تقویت‌کننده‌های ثانویه برای کودک حیاتی نیستند. در مراحل اول، ممکن است او گرایش کمی به آن‌ها داشته باشد. ارزشی که کودک برای این‌گونه تقویت‌کننده‌ها قائل می‌شود، اکتسابی است و ذاتی نیست.

۶ امتیازدهی

نظام امتیازدهی عبارت است از یک سیستم مبادله که متضمن کسب تقویت‌کننده‌های اولیه و ثانویه برای رفتارهای قابل قبول و غیرقابل قبول کودکان است. مربی باید از مجموعه تقویت‌کننده‌های مورد درخواست و توافق مربی - کودک بهره برد. نمایش امتیازات در جایی که برای همه قابل رؤیت باشد، توصیه می‌شود.

اگر رفتارهای قابل قبول و غیرقابل قبول به وسیله تلاش‌های دسته‌جمعی کودکان تدوین گردند، نه تنها به کودکان فرصت درک قوانین جامعه داده می‌شود بلکه آن‌ها احترام و فرمانبرداری را بهتر رعایت می‌کنند. گفت‌وگو درباره موضوعاتی مانند قرض گرفتن وسایل شخصی دیگران، استفاده از وسایل بازی دیگران، بازی با کودکان دیگر، آداب آب خوردن و قوانین بازی کردن به‌طور کلی و در حیطه مرکز و کمک گرفتن از کودکان دیگر همه بخشی از آموزش انضباط هستند.

۷ پیروی از دستورها

پیروی از دستورات این امکان را برای کودک فراهم می‌کند که از فعالیت‌های جاری و انتظاراتی که از او می‌رود، تصویر روشنی داشته باشد و همچنین، به عواقب رفتار خوب و بد خود دقیق‌تر بیندیشد.

همواره خوشحال‌کننده خواهد بود که ببینیم کودکان مشغول

کارند و همه می‌دانند که چه کاری را و چه موقع انجام دهند. دستورها باید در قالب عبارت‌های ساده رفتارهایی را که از کودک طلب می‌شود و نوع تقویت‌کننده‌ها برای اجابت آن رفتارها (قابل قبول و غیرقابل قبول) را بیان کنند. دستورها نباید حاوی تقاضاهای افراطی باشند یا شرایطی را تحمیل کنند که نمی‌توان از کودک در کلاس انتظار داشت. کودک باید از کمیت و کیفیت انتظاراتی که مربی در طرح انضباطی معین شده مورد داوری قرار می‌دهد، مطلع باشد. همچنین، باید از همان تقویتی که در طرح انضباطی از آن یاد شده است، بهره‌مند گردند.

از طرح انضباطی به‌عنوان یک تهدید استفاده نکنید بلکه از آن به‌عنوان یک پیمان بین دو طرف بهره ببرید. طرح انضباطی باید به‌عنوان پیمانی در باب اهداف تلقی شود نه وسیله‌ای برای کسب برتری بر کودک. در صورتی که عبارت‌های طرح انضباطی بعد از مدتی ناکارآمد به نظر آیند، مربی باید به تجدید نظر در آن بپردازد.

منابع

۱. بت ریس اس. فینی مور. مدیریت کلاس درس مبتنی بر دانش‌آموزمحوری. (ترجمه، دکتر کیانوش هاشمیان، ۱۳۸۱). نشر، دانشگاه الزهراء.
۲. پیتر، کله، لونا، جان. روش‌ها و راهبردها در تعلیم و تربیت کودکان استثنایی. (ترجمه، فرهاد ماهر، ۱۳۷۲). نشر، قومس.
۳. روبرت تی. تابر. الفبای مدیریت کلاس درس. (ترجمه دکتر محمد رضا سرکارآرانی. چاپ سوم ۱۳۸۱). انتشارات مدرسه برهان.
۴. رادلف درایکورس. برنیس برونیا گرونوالد. فلوی چایلدرز پیر. (۱۹۷۳). فنون مدیریت کلاسی. (ترجمه، دکتر حمید علیزاده و علیرضا روحی. ۱۳۸۸). تهران. نشر دانژه.
۵. مریم پورسلطانی و دیگران. (۱۳۹۰). الگوهای برتر تدریس در آموزش و پرورش استثنایی (با نیاز ویژه). تهران، سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور.
۶. لفلانگ، چارلز. ج. حل مشکلات انضباطی و مدیریت کلاس. (ترجمه، ساسان اسدیپور، احمد رضانی، ۱۳۸۹). تهران. پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.



از طرح انضباطی
به‌عنوان یک تهدید
استفاده نکنید
بلکه از آن به‌عنوان
یک پیمان بین دو
طرف بهره ببرید.
طرح انضباطی باید
به‌عنوان پیمانی در
باب اهداف تلقی
شود نه وسیله‌ای
برای کسب برتری بر
کودک

